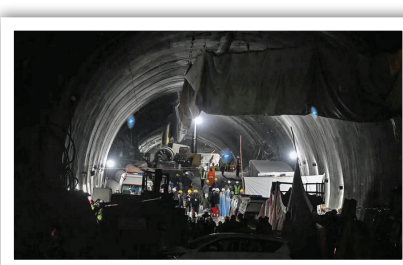


آن‌سوی مرز

## ۱۷ روز عملیات برای نجات ۴۱ کارگر هندی



پولیس‌ها با چاق‌های بلند و پوشش‌های سفید در حال نجات کارگران هندی در معدن کربن‌شیرازی هستند.

پولیس‌ها با چاق‌های بلند و پوشش‌های سفید در حال نجات کارگران هندی در معدن کربن‌شیرازی هستند.

با گذشت ۱۷ روز از ریزش تونلی در هند و گرفتار شدن ۴۱ کارگر در انتهای تونل، عملیات گسترده نجات به نتیجه رسید و تمامی کارگران گرفتار نجات یافتند. به گزارش همشهری به نقل از سی‌ان‌ان، ۲۰ نوامبر (۲۱ آبان) زمانی که کارگران در حال حفر تونلی در ایالت اوتارکند هند بودند، ناگهان بخشی از تونل فروریخت و ۴۱ کارگر که در حال کار بودند، ناپدید شدند. هیچ خبری از سرنوشت کارگران نبود و نداشتند که آنها زنده‌اند و در پشت‌آواز که تنها راه خروج آنها را مسدود کرده بود، محبوس شده‌اند.

تیم‌های عملیاتی برای نجات کارگران (۲۰مهر) راه‌ل را در نظر گرفتند. نخستین راه‌حل سوراخ کردن کوه از قسمتی دیگر و رسیدن به محلی بود که کارگران در آنجا گرفتار بودند و راه‌حل دوم، حفر تونلی از بالای کوه برای رسیدن به کارگران گرفتار بود. به این ترتیب عملیات نجات آغاز شد و امدادگران با استفاده از ماشین‌های مجهزی که مخصوص حفر کوه و تونل بود، راه‌حل نخست را در پیش گرفتند. در روزهای گذشته درحالی که بسیاری از مرد هند برای زنده ماندن کارگران گرفتار دعا می‌کردند، عملیات شبانه‌روزی حفر تونل برای رسیدن به کارگران ادامه داشت و در نهایت روز دوشنبه اعلام شد که تا رسیدن به محل محبوس شدن کارگران فقط چند متر باقی مانده است. اما ناگهان اتفاقی غیرمنتظر، تیم‌های نجات را غافلگیر کرد و به‌دنبال شکست‌شدن نتیجه‌های ماشین حفر کوه، آنها مجبور شدند بقیه تونل را به‌صورت دستی حفر کنند. عصر سه‌شنبه گذشته بود که در نهایت تیم‌های امدادی موفق شدند عملیات حفر تونل را به انتها برسانند و به همان محلی برسند که کارگران در آنجا محبوس بودند.

وقتی معلوم شد که همه کارگران گرفتار زنده هستند، عملیات خارج کردن آنها از تونل آغاز شد و تیم‌های عملیاتی با لوله‌گذاری در قسمتی از تونل که به‌صورت دستی حفر شده بود، قطر کمتری داشت، موفق شدند تمامی کارگران گرفتار را یکی پس از دیگری بیرون بکشند و به آمبولانس‌ها منتقل کنند. درحالی‌که تصور می‌شد کارگران در شرایط بد و بحرانی به سر می‌برند و برانکاردهای نیز به داخل تونل منتقل شده بود، اما تصدی آنها بدون استفاده از برانکاردر و با آخرین در داخل تونل خود را بیرون کشیدند و همگی برای معاینات نهایی به بیمارستان انتقال یافتند. بعد از نجات کارگران که موقی از خوشحالی را در بین مردم هند به‌دنبال داشت، دولت این کشور اعلام کرد به هر یک از کارگران گرفتار مبلغ ۱۲۰۰ دلار پرداخت خواهد شد و به آنها ۲۰۰ روز تا یک‌ماه مرخصی داده خواهد شد تا این مدت را در کنار خانواده‌هایشان سپر کنند.

داخلی

## قرار منع تعقیب در پرونده کلاهبرداری با نامه جعلی نمایندگان

پرونده مردی که متهم بود بعد از شناسایی متقاضیان دریافت وام خودرو با استفاده از نامه‌های جعلی نمایندگان مجلس از آنها کلاهبرداری می‌کرد با صدور قرار منع تعقیب، مختومه شد.

به گزارش همشهری، این پرونده زمانی به جریان افتاد که مرد جوانی به یکی از بانک‌های تهران رفت و با ارائه نامه‌ای که به‌نظر می‌رسید یکی از نمایندگان مجلس آن را نوشته است، درخواست وام خودرو کرد. اما وقتی معلوم شد که نامه جعلی است، مرد جوان دستگیر شد و در بازجویی‌ها ادا کرد نامه را از فردی به نام اکبر قربانی دریافت کرده و این فرد با ادعای اینکه می‌تواند از نمایندگان مجلس برای دریافت وام خودرو نامه بگیرد، تاکنون از افراد زیادی پول گرفته و در عوض به آنها نامه‌های جعلی داده است. با ادعای این فرد و شناسایی بقیه افرادی که مدعی بودند از فردی به نام اکبر قربانی در ازای دریافت مبلغی نامه گرفته‌اند تا با آن وام خودرو دریافت کنند، دستور بازداشت متهم صادر شد و حتی در آن زمان باز پرس پرونده دستور انتشار عکس متهم در روزنامه‌ها را نیز صادر کرد تا کسانی که از مخفیگاه او خبر دارند، برای دستگیری وی به پلیس کمک کنند. در نهایت بعد از مدتی متهم با پای خود به اداره پلیس رقت و مدعی شد که هیچ جعل و کلاهبرداری انجام نداده است. از سوی دیگر در ادامه بررسی‌ها معلوم شد که فرد دیگری با سوءاستفاده از کارت ملی و نام اکبر قربانی دست به این کلاهبرداری‌ها زده است. با جمع‌آوری شواهد و مدارکی که نشان می‌داد این فرد نقشی در این ماجرا نداشته است، برای وی قرار منع تعقیب صادر و پرونده او مختومه شد.

**۴۵ قاچاقچی موادمخدر در دام پلیس**
۵نفر از اعضای یک باند قاچاق موادمخدر و پولشویی در گنبد کاووس دستگیر شدند و از آنها ۱۱۰کیلوگرم موادمخدر، ۷دستگاه خودرو... کشف شد. به‌گفته حسین‌علی ایزد، دادستان این شهر، اعضای این باند از سوی سرپازان گنمام امام زنج (رع) و با همکاری نیروی انتظامی دستگیر شدند و رسیدگی به اتهاماتشان ادامه دارد.

**دستگیری بزرگ قاچاپی زنان**
رئیس پلیس فتای تهران بزرگ از بازداشت بزرگ قاچاپی زنان در فضای مجازی خبر داد. به‌گفته سرهنگ داوود معظمی گودرزی این متهم در فضای مجازی به دروغ خودش را پزشک بانوان معرفی کرده بود و با به‌دست‌آوردن تصاویر خصوصی بیماران از آنها اخاذی می‌کرد که با اقدام به موقع پلیس دستگیر شد.

## ۵اسارق حرفه‌ای خودرو در عملیات ویژه پلیس آگاهی تهران دستگیر شدند سرفت ۴۵ خودرو با جرثقیل



از سازقان که مدعی بودند تعدادی از خودروهای مسروقه مجهز به دستگاه‌های ردیاب بودند اما این دستگاه‌ها خراب بوده یسا کار نمی‌کردند، گفت: در این خصوص باید

**گزارش**
**الهه فرامانی**
روزنامه‌نگار

۵اسارق حرفه‌ای که در قالب ۲باند دست به سرقت خودرو در پایتخت می‌زدند از نسوی پلیس دستگیر شدند و به سرقت بیش از ۴۵خودرو اعتراف کردند. به‌گزارش همشهری، سر‌دار علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران صبح دیروز درباره این عملیات گفت: سازقان دستگیر شده اقدام به سرقت خودروهای تولید داخل می‌کردند و روش آنها نیزآب‌ینگونه بود که پس از شناسایی خودروی موردنظر شان، با استفاده از جرثقیل آن‌را به نقطه‌ای از شهر انتقال داده و به مالخر می‌فروختند. وی ادامه داد: افراد دستگیر شده تاکنون به ۴۵فقره سرقت خودرو با همین شیوه اعتراف کرده‌اند و تحقیقات از آنها همچنان ادامه دارد. به‌گفته سردار گودرزی، تاکنون ۲۰خودروی مسروقه از سازقان کشف و ۲۵خودرو نیز شناسایی شده که به‌زودی به مالکان تحویل داده خواهد شد. رئیس پلیس آگاهی تهران با اشاره به اعتراف برخی

**سفرارش سرفت**
مهدی فوق دیپلم مکانیک دارد و با یک وسیله نشکام می‌دهد که چطور می‌تواند به راحتی ماشین‌ها را سرفت کند. او تاجر خاصی در سرفت خودرو دارد و می‌گوید که ماه‌هاست سفارشی‌سازی کار می‌کند.

**چطور سفارش سرفت می‌گرفتی؟**

مثلا یک نفر می‌گوید بزو برشیا می‌خواهم. وی اشنساره به منتهی که در چند قدمی‌اش ایستاده می‌کند و ادامه می‌دهد: مثلا او اصغر کوچولوست. مدت‌هاست با اصغر کار می‌کنم. او یسه من زنگ می‌زند و می‌گوید بزو ۴۰۵ می‌خواهد یا ماکسیما... من سفارش را می‌گیرم و مشتری مبلغی به حسابم واریز می‌کند. سپس من می‌افتم دنبال ماشینی که سفارش گرفته‌ام. آن را سرفت می‌کنم و ۲۴ساعت کنار خیابان نگهش می‌دارم تا ببینم بزو ۴۰۵ می‌خواهد یا ماکسیما... من سفارش را می‌گیرم و مشتری مبلغی به حسابم واریز می‌کند. سپس من می‌افتم دنبال ماشینی که سفارش گرفته‌ام. آن را سرفت می‌کنم و ۲۴ساعت کنار خیابان نگهش می‌دارم تا ببینم

سیستم ردیاب دارد یا نه. اگر داشته باشد که صاحبش می‌رسد و بی‌خیالتی می‌شوم. می‌روم سراغ ماشین بعدی اما اگر نداشته باشد، بلاکش را تغییر می‌دهم و می‌رسانم به‌دست مشتری. در آخر پولم را می‌گیرم. البته گاهی می‌باید جرثقیل ماشین‌ها را به شهرهای دیگر منتقل می‌کردیم؛ مثلا واتنود می‌کردیم ماشین در جاده خراب شده و باید بکسل شود تا نزدیک تر تعمیر گاه.

**چقد دستم‌زدت بود؟**

خب بستگی به ماشینیش دار. بزو ۵ تا ۴۰۵ پورشیا حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰میلیون تومان. رانتی ۱۰۰میلیون. ماکسیما و مزدا بالای ۱۵۰میلیون تومان.

**شگرد این سرفت را چطور یاد گرفتی؟**

به یک سارق حرفه‌ای خسودر پول دادم و سرفت را یاد گرفتم. البته خب استعدادش را هم دارم. من فوق دیپلم مکانیک دارم. تخصص ماشین است. معمولاً سرفت‌ها را طرف ۵ثانیه انجام می‌دهم. وی سپس وسیله‌ای که شبیه به میله فلزی است را در دست می‌گیرد و نشان می‌دهد که چطور قفل ماشین‌ها را باز می‌کند و آنها را به سرفت می‌برد.

**اگر ماشین‌ها خرابی باشد و کد داشته باشد، چطور؟**
با یک وسیله خاص و کامپیوتر می‌توانم کد آن را به‌دست آورم و ماشین را به سرفت ببرم. مثلا کد مزدا ۳ یا ماکسیما را می‌دانستم و به‌راحتی می‌توانستم این دو نوع ماشین‌را در کنار خیابان سرفت کنم.
**مرد چه کند که به دام شما سارقان خودرو گرفتار نشوند؟**
توصیه من این است که مردم حتماً روی ماشین‌هایشان جی‌بی‌اس یا همان سیستم ردیاب وصل کنند. ما سارقان به‌دنبال درنسر نمی‌گردیم و معمولاً ماشینی را که ردیاب داشته باشد هرگز سرفت نمی‌کنیم چون به‌راحتی گیر می‌افتیم، در غیر این صورت راحت می‌توانیم ماشین را ببریم.

**پولیس آفر ۹۰۲۰۴- شماره ۸۹۵۷**
**همشهری**
**سخت**

جنایی

## عامل قتل صاحب ساندویچی، قصاص شد



سح‌رگاه دیروز، ۳قاتل در زندان قزل حصار پای چوبه دار رفتند اما یکی از آنها قصاص شد و دو نفر دیگر فرصت زندگی یافتند. به گزارش همشهری، تنها مردی که دیروز به دار مجازات آویخته شد، بیست و هشتم خرداد سال ۹۷صاحب یک ساندویچی را به قتل رسانده بود. آن روز گزارش قتل مردی ۶۵ساله به پلیس پایتخت اعلام شد. جسد او مقابل یک مغازه ساندویچی افتاده و با ضربات چاقو به قتل رسیده بود. بررسی‌ها حاکی از آن بود که مقول صاحب مغازه ساندویچی بوده و درست مقابل محل کارش به قتل رسیده بود. با انجام تحقیقات مشخص شد که عامل جنایت از مدتی قبل با مقتول دچار اختلاف شده بود؛ به‌طوری‌که چند روز قبل از قتل سراغ مقتول رفته و وی را به‌شدت مورد ضرب و جرح قرار داده بود. وی حتی قصد داشته مواد اشتعال‌زا مغازه مقتول را به آتش بکشد اما با حضور همسایه‌ها و کسبه محل موفق به این کار نشده و گریخته بود. اما دوربین‌ها نشان می‌داد که وی روز حادثه قدم در مغازه مقتول گذاشته و با وی درگیر شده و سپس جانش را گرفته بود. با این سرنخ، متهم به قتل دستگیر شد و در بازجویی‌ها به جنایت اعتراف کرد. وی پس از محاکمه در دادگاه به قصاص محکوم شد که حکم بی‌تأیید قضات عالی‌ک کشور رسید. به این ترتیب شمارش معکوس برای قصاص قاتل شروع شد تا اینکه وی روز چهارشنبه پیش از طلوع خورشید پای چوبه دار رفت و قصاص شد.

**توبه‌نامه نجات بخش**

دومین انعامی، چهاردهم آذر سال ۹۸مقابل قهوه‌خانه‌ای در مسعودیه مرتکب جنایت مسلحانه شد. وی روز حادثه با دوستانش به مقابل قهوه‌خانه رفت و آنجا را به رگبار بست. در این حادثه یک راننده تاکسی اینترنتی و مردی جوان به قتل رسیدند و پس‌ری ۳ساله با شلیک گلوله مجروح شد. تحقیقات نشان داد متهمان با تهیه سلاح کلاشینکف و قهه، از ورامین به مقابل قهوه‌خانه رفته‌اند و قصد داشته‌اند از فردی که با وی در فضای مجازی ک‌ری توافق شده‌اند و آنها توهین کرده بود انعام بگیرند. این در حالی بود که شخص مورد نظر در قهوه‌خانه حضور نداشت و آنها جان ۲مرد بی‌گناه را گرفتند. آنها در نهایت دستگیر شدند و متهم ردیف اول در دادگاه کیفری به جرم ۴فقره قتل به قصاص و به اتهام محاربه از سوی دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شد. او مدتی قبل، پای چوبه دار رفت اما اولیای دم قربانیان ایسن جنایت به او مهلت دادند و مرد جوان به زندان برگشت. در این پرونده چنانچه اولیای دم مقتولان، قاتل را می‌بخشیدند، او در نهایت به جرم محاربه اعدام می‌شد. به این ترتیب سرکاره چهارشنبه‌وی پای چوبه دار رفت تا به جرم محاربه اعدام شود، اما از روز قبل توبه‌نامه‌ای نوشته بود تا او را ببخشند. همین موجب شد تا حکم او متوقف شود و به زندان برگردد.

**فرصت زندگی**

آخرین مردی که دیروز پای چوبه دار رفت و قصاص شد، غلام نام داشت. وی ۱۴سال قبل در درگیری با همدستی ۴نفر از دوستانش پسر جوانی را به نام حمید در شهرستان شهریار به قتل رساندند، آنها با مقتول از قبل اختلاف و ک‌ری جوانی داشتند تا اینکه روز نهم فروردین سال ۸۸درگیری میان آنها رخ داد و به جنایت ختم شد. در این پرونده، غلام و ۳ از دوستانش که ضربات آنها کشنده بود به قصاص محکوم شدند و پرونده آنها برای سیر مراحل اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای امور جنایی فرستاده شد. هم‌زمان با سیر مراحل تشریفات اجرای حکم قصاص ولی دم که مادر مقتول است ۲نفر از متهمان را بخشید اما حاضر به بخشش غلام نشد و اصرار داشت که وی پای به دار مجازات آویخته و مجازات شود.سح‌رگاه دیروز درحالی‌که طناب‌دار به گردن غلام قرار و قاتل در یک قدمی مجازات قرار داشت به گریه و التماس افتاد تا مادر مقتول، زندگی وی را نجات بدهد.از نسوی دیگر آخرین زندانی‌های تیم صلح و سازش دادسرای جنایی تهران برای نجات قاتل اقدام داشت تا اینکه مقتول در واپسین لحظات دالش به رحم آمد و به احترام ایام فاطمیه به قاتل مهلت داد. به این ترتیب وی با خوشحالی به زندان برگشت و این در حالی است که تلاش برای جلب رضایت ولی دم ادامه دارد.

## طناب دار بر گردن قاچاقچی‌ای که قاتل مادرش را بخشیده بود

**بخشش قاتل مادر**

سال‌هایی که مراد در زندان گذرانده بود از آدم تازه‌ای ساخت. او در این مدت سبک زندگی‌اش را تغییر داد و اوایل امسال تصمیم عجیبی گرفت. مادر مراد چند سال قبل در جریان یک جنایت به قتل رسیده و قاتل در یک قدمی چوبه دار قرار داشت اما مراد در حالی که در زندان بود قاتل مادرش را بخشیده به این امید که با این کار، خودش نیز بخشیده و حکم اعدامش لغو شود.

مراد و اعضای خانواده‌اش در این مدت تلاش زیادی برای تخفیف در مجازات انجام دادند. حتی پرونده او در کمیسیون عفو و بخشش نیز مطرح شد اما اعضای کمیسیون به‌دلیل اینکه او دومین مرتبه‌ای بود که مرتکب جنین جرمی شده بود با بخشش او مخالفت کردند. در این بین وکیل مدافع مراد نیز راهی تهران شد و تلاش کرد از راه‌های قانونی دستور توقف حکم را بگیرد و به خاطر شرایط مراد، او شامل تخفیف در مجازات شود.

در همین حال مراد نیز چندی قبل در گفت‌وگو با همشهری گفت که تغییر کرده و از مسئولان خواست در حکم اعدام او تجدید نظر کنند. او گفت: زندانی‌شدن تلنکر بزرگی برایم بود. در آنجا شروع به حفظ قرآن کردم و موفق شدم کل قرآن را حفظ کنم. حتی در مسابقات قرآنی زندانبان کشور هم شرکت کرده و اول شدم. این قرآن بود که سبب زندگی‌ام را تغییر داد. من قاتل مادرم را به‌خاطر خدا و آرامش خودم و خانواده‌ام بخشیدم. به خدا قسم دیگر دنبال کارهای خلاف نمی‌روم. در این سال‌ها به اندازه کافی تنبیه شده‌ام. فکر گذشته را هم که می‌کنم تنم می‌لرزد و از مسئولان خواش می‌کنم که در مجازاتم تخفیف قاتل شوند.

به‌رغم تلاش‌های انجام شده برای لغو این مجازات از چند روز قبل شمارش معکوس برای اجرای حکم آغاز شد و او به قزطنینه زندان خرم آباد انتقال یافت و در نهایت صبح دیروز (چهارشنبه) اعدام شد تا پرونده زندگی‌اش برای همیشه بسته شود.

